



معصومه قنبرپور

کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث

چکیده

بحث مبانی تفسیر قرآن، یکی از موضوعات جدید در تفسیر قرآن است که در شناخت نوع و روش تفسیر قرآن تأثیر بسزایی دارد. فهم پذیری، هدایتگری خاص قرآن، پذیرش باطن، جامعیت قرآن والهی بودن چیش قرآن، شماری از مهمترین مبانی تفسیر پرتوی از قرآن است که مفسر آن با تبیین خاص خویش، از هر یک از موارد فوق، گام جدیدی در روش تفسیر قرآن برداشته است.

کلید واژه‌ها: مبانی، تفسیر، پرتوی از قرآن

مقدمه

تاریخ تفسیر قرآن در چند قرن اخیر، با تحولات مهمی روبرو بوده است که علت آن را می‌توان در تفکر اصلاحی مفسران قرآن دانست که با انگیزه بازگشت به قرآن و لزوم پاسخگویی قرآن نسبت به مسایل و مشکلات جامعه، به تفسیر قرآن اقدام نموده‌اند.

تفسیر پرتوی از قرآن اثر مرحوم طالقانی (متوفی ۱۳۵۷ هـ. ش) نمونه‌ای از این تفاسیر است که مؤلف آن با شرکت فعال در حرکت‌های اصلاحی جامعه، از تفسیر قرآن برای احیای تفکر قرآنی و دینی بهره برده است. با توجه به استقبال مخاطبان تفسیر و موفقیت آن در اصلاح تفکر دینی، بر آن شدم در این مقاله به برخی از مبانی مهم تفسیر پرتوی از قرآن اشاره کنم.

قبل از بیان مبانی تفسیر پرتوی از قرآن لازم است مقصود از مبانی تفسیرمورد بحث قرار گیرد.

مبنا، در لغت و اصطلاح

مبنا از ریشه «بنی» به معنی «برپا کردن» و «ساختن چیزی با ضمیمه کردن بعضی از اجزاء آن بر بعض دیگر است»^۱ و در اصطلاح «به آن دسته از پیش فرض‌ها، اصول موضوعه و باورهای اعتقادی یا علمی گفته می‌شود که مفسر با پذیرش و مبنا قرار دادن آن، به تفسیر قرآن می‌پردازد»^۲.

اهمیت بحث مبانی تفسیر قرآن از جهتی است که هر نوع پیش فهم‌های نادرست درباره آن، تأثیر زیادی در خدشه‌دار کردن اعتبار تفسیر دارد و از این رو بر هر مفسری لازم است قبل از هر چیز مبانی و پیش فرض‌های خود را بر اصول ثابت و صحیح پایه‌ریزی نماید تا بتواند حقایق و معارف والای قرآن را به درستی در اختیار خوانندگان قرار دهد.

انواع مبانی تفسیری

درباره انواع مبانی تفسیری در بین صاحب نظران نظریات متعددی وجود دارد.^۳ روش نویسنده مقاله در این نوشتار بر اساس تقسیم‌بندی مبانی، به عام و خاص است. منظور از مبانی عام، آن دسته از مبانی تفسیری است که با شناخت کلی قرآن ارتباط دارند و همه مفسران خود را ملزم به رعایت آنها می‌دانند که از این مبانی می‌توان به عدم تحریف قرآن، معجزه بودن قرآن و جاودانگی قرآن و نیز استفاده از قواعد و... اشاره کرد.

مبانی خاص، آن دسته از مبانی تفسیری است که خاص هر مفسر بوده و در تعیین نوع تفسیر، برداشت‌های مفسر و روش استفاده از قواعد تفسیر، تأثیر بسزایی دارند.

مبانی تفسیری پرتوی از قرآن

تفسیر پرتوی از قرآن در ۶ جلد نوشته شده است که شامل تفسیر سوره‌های حمد، بقره، آل عمران، بخشی از سوره نساء، و سوره‌های جزء سی ام است و تفسیر سوره‌های آل عمران و نساء بعد از رحلت مرحوم طالقانی گردآوری شده است و مرحوم طالقانی در مقدمه جلد اول، درباره ویژگی‌های قرآن، روش فهم هدایتی قرآن، بازگشت به قرآن و موانع فهم آن، مباحثی را مطرح کرده است.

در این مقاله سعی شده است به مهمترین مبانی خاص تفسیری پرتوی از قرآن اشاره گردد. که در تعیین روش تفسیر و برداشتهای تفسیری موثر بوده اند.

انواع مبانی تفسیری

۱. فهم پذیری قرآن

معارف و مفاهیم قرآن، حقایق و حیانی و قدسی است که در قالب الفاظ و تعابیر بشری نازل شده است، از این رو در طول تاریخ، نظریات متعددی درباره فهم قرآن وجود داشته است. برخی فهم قرآن را به افراد خاص اختصاص می‌دادند و در اثبات درستی ادعای خویش، به روایاتی از ائمه معصومین (ع) و سیره صحابه و تابعین استناد می‌کردند. در برابر این جریان فکری، برخی معتقد بودند که همه معارف اعتقادی معقول و قابل فهم می‌باشد^۴ و در مواردی که ظاهر هر کلام الهی با عقل قابل توجیه نبود، به تأویل و توجیه آن می‌پرداختند.^۵

مرحوم طالقانی در بحث فهم پذیری قرآن، توجه خویش را به نورانیت فطری قرآن، معطوف کرده‌اند و نظر کردن به آن را نظر کردن در منبع فیاض تلقی نموده‌اند که راهی جز، نظر کردن به آن نیست.

نظر به قرآن مانند نظر به منبع فیاض است که هم نظر به آن دشوار است و هم چاره‌ای از نظر به آن نیست، مگر آدمی می‌تواند از نور، چشم بپوشد با آنکه دل‌باخته و خود ساخته آن است. قرآن نور است از نور آسمان‌ها و زمین: *اللهم نور السماوات والارض...* اگر به منبع وحد اعلا می‌توان چشم دوخت، از مرتبه نازل و انعکاس آن نمی‌توان چشم دوخت.^۶

به نظر ایشان مبین بودن قرآن کریم نشان می‌دهد که قرآن در تبیین مفاهیم خویش مستقل بوده، و احادیث تفسیری نمی‌تواند مانع فهم عمیق قرآن قرار گیرند،^۷ از این رو برای فهم آیات متشابه قرآن کریم، علما و دانشمندان، نیز جزء راسخان در علم بوده و می‌توانند با تکامل عقلی و علمی و با قرار گرفتن در پرتو هدایت قرآن، به تأویل برخی از آیات قرآن دست یابند.

به عنوان مثال ایشان در تفسیر آیه: «... و ما یعلم تأویله الا الله و الراسخون فی العلم...» (آل عمران، ۷/۳) می‌گویند:

معلوم حصر همین است که تأویل مجموع کتاب را جز خدا نمی‌داند، [اما] بعضی کتاب یا متشابهات یا مراتب نازلتر آنها با احاطه علمی در مسیر تحول جهان و ظهور قیامت و تکامل عقلی و علمی انسان، آیات قرآن تأویل می‌شود...^۸

۲. هدایتگری قرآن همگام با تکامل پدیده‌های عالم

هدایتگری قرآن یکی دیگر از مبانی عام تفسیر قرآن کریم است که نشان‌دهنده اعتقاد مفسر به معنی‌داری گزاره‌های قرآن و حجیت دلالت‌های آن است که در نحوه معرفت‌شناختی و روش‌شناختی تفسیر مؤثر است.

مرحوم طالقانی هدایت را به مانند سایر موجودات جهان، صورتی از صفت ربوبیت خداوند می‌داند، معتقد است مراتب هدایت، همگام با تکامل پدیده‌های عالم تکمیل می‌شود.

توضیح آنکه، ایشان حرکت و سیر تکاملی موجودات را بسوی کمال و مطلوب و صراط‌المستقیم می‌داند.^۹ و ان اعبدوننی هذا صراط‌المستقیم. (یس، ۶۱/۳۶) که این سیر تکاملی از طبیعت بسیط شروع شده و به سوی عالم عقل پیش می‌رود و از آنجایی که انسان آخرین حلقه تکامل مخلوقات را تشکیل می‌دهد و هدایت نهایی مخصوص هدایت دین و وحی الهی است که هدایتگر اصلی انسان می‌باشد.^{۱۰} وی می‌گوید:

هدایت وحی و نبوت: این هدایت، تکمیل هدایت‌های سابق و عالی‌ترین مراتب

هدایت برای تقدیم عقل و استقامت بر صراط‌المستقیم است.^{۱۱}

مرحوم طالقانی هر یک از مراتب هدایت مخلوقات را [اعم از سلول- گیاه- جانور-

انسان] را جهشی در مسیر تکامل معرفی می‌کند^{۱۲} و بیان می‌دارد که قرآن کریم جهشی در

مسیر تکامل عقل و هدایت آن به غایات مطلق است. ۱۳ و بر این اساس قرآن را معرف هدایت مطلق و کامل معرفی می کند که توانایی هدایت نوع بشر را در بستر زمان و مکان دارد، ایشان می نویسند:

...همین هدایت کامل و مطلق عنوان و معرف قرآن است: «هدی للمتقین» و

همین سرّ ابدیت و خاتمیت می باشد... ۱۴

مفسر تفسیر پرتوی از قرآن، روش هدایتی قرآن را دروازه «ذکر» و «تزکیه» جستجو کرده که با ذکر کردن انسان، عقل و وجدان او را بیدار می نماید و با تزکیه او، سبب زدودن آثار رذایل و تقلیدهای بشری می شود^{۱۵} و در مرحله بالاتر، راز و رمز آفرینش و اصول احکام را باز می نماید، وی می گوید:

کتاب و حکمتی که قرآن پس از تزکیه تعلیم می دهد، چشم عقل فطری را به مبادی و نهایت جهان و طریق سلوک انسان و رازها و ریشه های آفرین و اصول احکام باز می نماید... ۱۶

اعتقاد به چنین اصلی باعث شده است که تفسیر پرتوی از قرآن ویژگی های خاصی داشته باشد، که می توان به موارد زیر اشاره کرد.

ویژگی های هدایتی و تربیتی قرآن

۱. نمایاندن توان نظری و عملی قرآن در معارف اسلامی

مرحوم طالقانی در موارد متعددی به نظرات علمای اخلاق و جامعه شناسی اشاره کرده و برتری معارف قرآن را نسبت به تحقیقات و یافته های بشری بیان کرده است و بدین صورت بر لزوم توجه به قرآن و قرار گرفتن در پرتو هدایت آن، تأکید کرده است. بعنوان مثال، در تفسیر آیات اول از سوره اعلی به روش هدایتی قرآن، اشاره می کند: و درباره آن می گوید:

...این نوسازی از تعلیم و تلقین و تحمیل مفاهیم و مطالب نامأنوس و خارج از درک وجدانی و از روش های تربیت اخلاقی معمول بر نمی آید و چه بسا اینها جهل مرکب و غرور را می افزایشد... ۱۷

مثال دیگر در تفسیر آیه: **فهدی الله الذین آمنوا لما اختلفوا فیه من الحق**. (بقره، ۲/۲۱۳)

مرحوم طالقانی نظر قرآن را درباره دوره‌های فکری و اجتماعی انسان و تکامل نبوت بیان کرده و ضمن مقایسه آنها با تحقیقات دانشمندان اجتماعی و مکاتب مادی می‌گوید: ... آنها نقش محرک و سازنده پیامبران را با همه تحرکات و تغییرات و جهش‌ها و آثاری که دارد و ناشی از اراده فوق جریان طبیعی است نادیده می‌گیرند. آن چنانکه از فواصل تکامل طبیعی و جهش‌ها و ظهور حیات با همه نقشی که دارد چشم می‌پوشند. این آیه پس از نشان دادن دو دوره مشخص فکری و اجتماعی کان الناس امه واحده...، بعثت پیامبران و اراده مافوق را می‌نمایاند...^{۱۸}

افزون بر این مطلب ایشان، نظر محققان مکاتب مادی را درباره «دین» و «تکامل اجتماعی» ضعیف و ناقص معرفی می‌نماید.

۲. ژرف‌نگری به آیات قصص

همانطور که می‌دانیم، قرآن در نقل قصص و داستان‌ها، بسیاری از عناصر داستان را از جمله زمان، مکان، اوضاع طبیعی محل حادثه و... را بیان نکرده و فقط به مباحث کلی آنها توجه کرده است.

مرحوم طالقانی با الهام از این مطلب، به اهداف داستانها و پیام‌های هدایتی آن توجه کرده‌اند و سعی کردند سنت‌های اجتماعی و عوامل تکامل و انحطاط امت‌ها را از این طریق بررسی نمایند.

به عنوان مثال در تفسیر آیه: **او کالذی مرّ علی قریه و هی خاویه علی عروشها** (بقره/

۲۵۹) می‌نویسد:

... این حادثه خارق-چه واقعی باشد یا تصویری-بُعد عمیق حیات را ارائه می‌نماید

که قائم به خود و به مبدأ اصلی حیات «الهی القیوم» و سازنده ترکیبات تدریجی

و زمان است... اگر نظر به اصل حیات و نور شود، سراسر بقاء و ابدیت و کمال

است: از حیات بسوی حیات و از نور به سوی نور...^{۱۹}

۳. پذیرش معنای باطنی قرآن و همسویی آن با ظاهر قرآن

یکی دیگر از مبانی معرفتی قرآن، پذیرش وجود باطن برای قرآن کریم است که از شواهد

جاودانگی و جامعیت قرآن محسوب می‌شود و یکی از مبانی خاص تفسیر پرتوی از قرآن

به شمار می‌رود.

باطن در لغت برخلاف «ظاهر» به معنی «درون» «داخل هر چیز پنهان» آمده است^{۲۰} و در اصطلاح، بصورت‌های مختلفی تبیین شده است^{۲۱} که اکثر مفسران منظور از آن را لایه‌های پنهان و ناپیدای قرآن می‌دانند.^{۲۲}

مرحوم طالقانی با پذیرش باطن قرآن (لایه‌های پنهان فهم قرآن)، آن را مرجع تأویل قرآن می‌دانند.^{۲۳} (توضیح آنکه به نظر ایشان همه آیات قرآن متشابه است و برگشت آنها به آیات محکّمات بود که در لوح محفوظ هستند و باطن آیات و محل تأویل قرآن به شمار می‌آیند.)

مرحوم طالقانی هر یک از تعابیر (اکنه^{۲۴} - وقر^{۲۵} - غلف^{۲۶} - ففل^{۲۷}) در آیات متعدد قرآن کریم را، نوعی از حجاب‌های باطنی قرآن می‌داند که هر یک تأثیر خاصی را در عمق وجود انسان می‌گذارند و او را از فهم باطن قرآن باز می‌دارند.

گویا هر یک از اینها اشاره به نوعی از حجاب است که مربوط به یکی از مدارک باطنی می‌باشد؛ حجابی که عمق ضمیر را فرا می‌گیرد یا پیرامون آن را می‌پوشاند، یا گوش و چشم باطن را از شنوایی و بینایی باز می‌دارد.^{۲۸}

از سوی دیگر از نظر ایشان، معیار صحت یا سقم باطن قرآن زمانی است که باطن یا تأویل آیات با ظاهر لغات و ترکیبهای آن، متناسب باشد.

به عنوان مثال در تفسیر آیه: فسواهنّ سبع سماوات و هو بکل شیء علیم (بقره/۲۹) تفسیر عرفا را به علت متناسب بودن آن، با ظاهر آیه می‌پذیرد و می‌نویسد:

از نظر بعضی از عرفا و علما مقصود از تسویه باطنی و آسمانی، سرانسانی به هفت درجه و مرتبه است. این بیان و احتمال هم با (ثم الیه ترجعون)... آیه سابق-متناسب است. زیرا رجوع همان پیمودن مراتب تکامل نفسانی و عقلی می‌باشد. و با (خلق لکم...)... چه انسان غایت خلقت زمین و درجات کمال عقلی، غایت وجود آدمی است (خلق لکم)- ثم استوی - لکم و بکم- الی السماء...»^{۲۹}.

۴. جامعیت قرآن

یکی دیگر از مبانی خاص تفسیر پرتوی از قرآن، اعتقاد مفسر به جامعیت قرآن کریم است. بطور کلی درباره جامعیت قرآن کریم دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد.

برخی آن را جامع علوم و معارف بشری می‌دانند و معتقدند قرآن کریم از نظر دینی و غیر دینی، کامل و جامع است. برخی نیز قرآن را در حد مسئولیت دین جامع و کامل می‌دانند و گروهی نیز معتقدند جامعیت قرآن از جهت بیان مسایل انسانی، جامع و کامل است و در مورد مسایل غیرانسانی جامع بودن آن الزامی نیست.^{۳۰} علاوه بر این، در آیات متعددی، به نوعی بر جامعیت قرآن تأکید شده است. از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. *ونزلنا علیک الکتاب تبیاناً لكل شیء و هدی و رحمه و بشری للمسلمین*. (نحل، ۱۶/ ۱۸۹) ترجمه: این کتاب را که روشنگر هر چیزی است و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارتگری است، بر تو نازل کردیم.

۲. *ولکن تصدیق الذی بین یدیہ و تفصیل کل شیء و هدی و رحمہ لقوم یؤمنون*. (یوسف، ۱۱۱/۱۲) ترجمه: (بلکه تصدیق آنچه (از کتاب‌هایی) است که پیش از آن بوده و روشنگر هر چیز است و برای مردمی که ایمان می‌آوردند رهنمود و رحمتی است).

مرحوم طالقانی جامعیت قرآن را در مسایل انسانی مطرح می‌کند و قرآن را پاسخگوی همه مشکلات اجتماعی-اقتصادی-سیاسی و... معرفی نموده و از این طریق بر لزوم مراجعه به تعالیم قرآنی اصرار می‌ورزد:

...آیاتی که پرتو مستقیم آن نواحی مختلف نفسانی و حدود و حقوق و روابط عمومی و غایات وجود را روشن می‌نماید و پیچیدگی‌ها و مشکلات را در هر زمان و از هر جهت می‌گشاید، همین سرّ هدایت کل و مطلق عنوان و معرف قرآن است.^{۳۱}

اعتقاد مرحوم طالقانی به جامعیت قرآن، یکی از دلایل اعتقاد به مسأله بازگشت به قرآن است که در مقدمه تفسیر مذکور، به آن اشاره شده است.^{۳۲}

مرحوم طالقانی با بیان سنت‌های اجتماعی قرآن کریم و لزوم هدایت همه‌جانبه قرآن سعی کردند جامعیت قرآن را به اثبات برسانند.^{۳۳}

شاهد دیگر مبنی بر پاسخگو بودن قرآن نسبت به نیازهای انسان، توجه ایشان به رخدادهای عصر خویش است. با توجه به اینکه تفسیر پرتوی از قرآن در زمان قدرت طاغوت و بی‌عدالتی نسبت به مردم و هجوم فرهنگ غربی نوشته شده است، مرحوم

طالقانی سعی کردند با عمومیت دادن به عبارت های قرآن کریم، مسایل و مشکلات جامعه خویش را با تعالیم قرآن حل و فصل نمایند.

وی در تفسیر آیه: **والذین کفروا اولیاء هم الطاغوت یخرجونهم...** (بقره/۲۵۷) با عمومیت دادن به ضمیر فاعل در کلمه (یخرجونهم) می گویند: «جمع آمدن ضمیر فاعل (یخرجونهم) دلالت بر جمع و تنوع طاغوت دارد.»^{۳۴}

یا در تفسیر آیه: **ان الذین ینکتمون ما انزل الله من الکتاب...** (بقره/۱۷۴) از عالمان متحجر دینی که به جنبه های اجتماعی قرآن، اعتنا نمی کنند انتقاد کرده است.

این بزرگ منشاها که به عنوان دین حدود حلال و حرام را کتمان می نمایند و مردم را متحیر و منحرف می سازند، چون خود کانون هواها می باشند و دین را حرفه خود و کالای زندگی ساخته اند و با این روش انحرافی، فطرتشان خاموش و درون شان تیره و دوزخی گردید، هر چه در معامله خطیر بیاندوزند و بخورند مایه ذخیره ای و همیشه چنین دوزخی خواهند شد.^{۳۵}

۵. الهی بودن لفظ و چینش قرآن کریم

منظور از الهی بودن لفظ و چینش قرآن، آن است که نظم و چینش قرآن به امر خداوند صورت گرفته است، چنانکه قرآن، خود بر این معنی تصریح دارد: ... ورتلناه ترتیلا. (فرقان، ۳۲/۲۵) و ما آن را به آرامی بر تو خواندیم.

الهی بودن لفظ و چینش قرآن، با مفاهیمی چون صیانت قرآن از تحریف، اعتقاد به عدم ترادف در قرآن و تناسب آیات و سور قرآن، ارتباط دارد که در این مقاله به دو مورد اخیر اشاره می شود:

الف) اعتقاد به عدم ترادف در قرآن

منظور از عدم ترادف در قرآن آن است که کلمات و ترکیب های قرآن، چنان دقیق و حساب شده، بیان شده است که امکان جایگزینی آنها به توسط الفاظ مترادف نیست. این بحث از سوی دانشمندانی چون راغب اصفهانی^{۳۶}، ابن ابی اصبع و سیوطی^{۳۷} مطرح شده است و از معاصران عایشه بنت الشاطی^{۳۸}، مرحوم مصطفوی^{۳۹}، و مرحوم طالقانی به آن اشاره کرده اند.

جاحظ در البیان و التبیین می نویسد:

مردمان با مسامحه الفاظی را در جای خود بکار می‌گیرند و به تفاوت‌های باریک آنها توجه نمی‌کنند و آیا نمی‌بینند که خداوند در قرآن «جوع» را جز در موضع «کیفر» و «تنگدستی» و «نیاز شدید» و «ناتوانی آشکار» بکار نبرده است و حال آنکه مردم این کلمه را درباره گرسنگی عادی که توأم با تنگدستی و امکان و توانایی برای خوردن است نیز بکار می‌گیرند. (بجای سغب). ۴۰

مرحوم طالقانی با تأکید بر «جانشین ناپذیری در ترکیب‌ها و کلمه‌های قرآن، معتقد است اگر کلمه‌ای را تبدیل به کلمه مترادف آن نماییم، یا حرفی را از جای خود برداریم، در نظم و آهنگ و رساندن معنا و مقصود، اختلال پیش می‌آید. به عنوان مثال درباره فرق «طحا» و «دحا» می‌نویسد:

با توجه به اینکه در لغت از هر جهت مترادف در کلمات عرب و بخصوص در آیات حکیم قرآن نیست، باید این دو لغت اندک فرقی در معنا داشته باشد، آنچه از معانی واستعمالات این لغت (طحا) برمی‌آید، در معانی «راند» و «کره را پرتاب نمود»، «گسترش داد» ظهور دارد، و لغت (دحا) بیشتر در «گسترش داد» ظهور دارد. ۴۱

مثال دیگر مطلبی است که برای فرق قسط و عدل مطرح شده است که از قسط به ادای حقوق افراد در اجتماع و اموال و پاداش‌ها و استعمال عدل را در مورد خلیقات و احکام و شهادت‌ها و روش‌ها، می‌داند. ۴۲

ب) تناسب آیات و سوره‌های قرآن

تناسب در لغت از ریشه «نسب» به معنی نزدیکی و از باب تفاعل «فلان یناسب فلاناً» باوی نسبت یا قرابتی دارد، است. ۴۳

معنی اصطلاحی آن با معنای لغوی آن همسو بوده و «به علمی گفته می‌شود که بوسیله آن علل و ترتیب (کلام) شناخته می‌شود که موضوعش، اجزاء شی دو هدف آن، شناخت مناسب از حیث ترتیب و فایده‌اش، اطلاع از مرتبه اجزاء از جهت ارتباط و تعلق آن به ماقبل است» ۴۴، پس علم مناسب یا ارتباط ازاء قرآن، به ترتیب آیات و سوره‌های قرآن باز می‌گردد.

با وجود دیدگاه‌های مختلف درباره توقیفی یا اجتهادی بودن ترتیب آیات و سوره‌های

قرآن کریم، برخی از دانشمندان علوم قرآن چون ابن عربی (م ۵۴۳هـ) ۴۵ و دکتر عبدالله شحاته ۴۶ از تناسب آیات قرآن به عنوان اعجاز یاد کرده اند و سید قطب با تعبیر «تناسق فنی» از تناسب آیات سخن گفته است.

تناسق فنی همان تسلسل معنوی قائم مابین اغراض و سیاق آیات و تناسب موجود در امر انتقال از غرضی به غرض دیگر است. ۴۷

مرحوم طالقانی با اعتقاد به تناسب آیات و سوره های قرآن، از این اصل در تفسیر قرآن کمک گرفته است. و در جای جای تفسیر، با ارتباط دادن کلمات و جمله های قرآن، الهی بودن چینش واژگان و عبارت های آن را نشان داده است.

الف) بیان اهداف آیات یک سوره

مفسر پرتوی از قرآن، در تفسیر اکثر سوره های قرآن، بر این موضوع تأکید نموده و از روشهای متعدد از جمله بیان «موضوع آیه ها» یا «الحان و آهنگ آیات» اهداف هر یک از سوره ها را تبیین کرده است.

به عنوان مثال، در تفسیر سوره لیل، بعد از بیان هماهنگی معانی آیات می نویسد: با چنین لحن و آهنگ مشدد و مخفف، معانی و مفاهیم و معانی آیات و مظاهر متقابل آنها تصویر و نمایانده شده است. مجموع آیات این سوره، نموداری از اوضاع و مناظر دوگانه متقابل و متقارب و منشعب جهان و حیات است... ۴۸

ب) استفاده از سیاق آیه ها در تفسیر

مرحوم طالقانی در تفسیر خویش، همواره ارتباط و سیاق آیات را مدنظر داشته و بر آن تأکید کرده است.

بعنوان مثال در تفسیر آیه: **الم تر الی الذین خرجوا من دیارهم...** (بقره/ ۲۴۳) می گوید: این آیه به قرینه و سیاق آیاتی که به آن پیوسته است، گویا حکمت اصلی و کلی و انگیزه هجرت و جهاد را برای تجدید حیات می نمایاند و گویا داستان نهضت و حرکت بنی اسرائیل و بیرون رفتن آنها از دیارشان که در آیات بعد آمده، بیان نمونه محقق و مفصلی از این آیه است. ۴۹

ج) ارتباط دو سوره مجاور در آغاز و فرجام مطالب

درباره سوره فلق و ناس معتقد است که آن دو از جهت خطاب ها و شروع و مضمون

متناسب با یکدیگر می باشند. و می گوید:

این دو سوره به شناخت انواع شروری که متوجه مخاطب گزیده و هدف های او می باشد و سپر و پناهی که باید از آسیب و صدمه آنها بخود گیرد، هدایت نموده... ۵۰

ایشان منشأ شروری که در سوره فلق مطرح شده را خارج از نفوس می داند و منشأ شروری که در سوره «ناس» را از باطن انسان می داند که با تکامل عقل، راه واهمه و نفوذ شیطان برای ایجاد این شرور بیشتر می شود. ۵۱

د) ارتباط مضمونی بین سوره های همجوار

مرحوم طالقانی، در برخی از موارد، تناسب دو سوره همجوار را در «مضمون آنها» بیان می کند، بعنوان مثال، درباره ارتباط صوره «نصر» و «تبت» می گوید:

در هر زمان و هرگونه شرایط، اگر مردمی با وحدت نظر، حق و خیر را دریافتند... دیر یا زود طرفدارانش پیروز می شوند... (اذا جاء نصر الله والفتح) و نفس مسموم، و دست دسیسه کاران آتش افروز و زن صفتانی که آلت دست و هیمة بیار آنها شده اند قطع می گردد... (تبت یدا ابی لهب و تب). ۵۲

نمونه دیگر: در ارتباط سوره «اخلاص» با سوره های «کافرون»، «نصر» و «تبت»، سوره های اخیر را مقدمات و زمینه ساز قبول توحید از سوی مردم معرفی کرده است، ایشان می نویسند:

این اعلام جامع و خالص توحید و اخلاص... (قل هو الله احد) که بعد از سوره «نصر» و «تبت» و در اواخر قرآن قرار داده شده، شاید اشعار به این واقعیت دارد که برای عام مردم، محیط مساعد دریافت و ایمان به چنین توحید عامی، پس از دلایل و براهین و تربیت مقدماتی و ایجاد محیط فکری (قل یا ایها الکافرون) و پیروزی داعیان توحید و شکست و درهم شکستن بت تراشان و بتها (اذا جاء نصر الله والفتح) و کوتاه شدن دست آتش افروزان (تبت یدا ابی لهب و تب) فراهم می شود. ۵۳

۱. معجم مقاییس اللغة، الرازی، احمد بن فارس بن زکریا، ۳۰۲/۱، حواشی ابراهیم شمس الدین، بی جا، دارالکتب العلمیه

- ۱۴۲۰ هـ. ق/ ۱۹۹۶ م)، چاپ اول؛ علامه مصطفوی این معنی را در موارد مادی و معنوی می‌داند. (التحقیق فی کتاب القرآن الکریم، المصطفوی، حسن، ۳۴۴/۱، تهران، وزارة و الثقافة الارشاد اسلامی، (۱۳۶۸ هـ. ش).
۲. مبانی و روشهای تفسیر قرآن، شاکر، محمدکاظم/ ۴۰، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، (۱۳۸۲ هـ. ش).
۳. مبانی کلامی اجتهاد در برداشت از قرآن، هادوی تهرانی، مهدی/ ۲۱، قم، مؤسسه فرهنگی خانه فرد، ۱۳۷۷، چاپ اول.
۴. الملل و النحل، الشهرستانی، ابوالفتح محمد بن عبدالکریم، تصحیح احمد فهمی محمد، بیروت، ۳۸/۱، دارالکتب، العلیمه، بی تا.
۵. کلام و عرفان و حکمت عملی، مطهری، مرتضی/ ۹۷، تهران، انتشارات صدرا (۱۳۸۴)، چاپ بیست و نهم.
۶. پرتوی از قرآن، طالقانی، سید محمود، ۱۲/۱، تهران، شرکت سهامی انتشار، (۱۳۴۲ هـ. ش) چاپ سوم.
۷. همان، قسمت اول جزء سی ام/ ۱۹۴.
۸. همان، قسمت پنجم/ ۲۷.
۹. همان، ۳۵/۱.
۱۰. همان/ ۳۸.
۱۱. همان، قسمت دوم جزء سی ام/ ۹.
۱۲. همان، ۳۷/۱.
۱۳. همان، ۱ و ۴ و ۵/ ۱۴.
۱۴. همان، ص ۶.
۱۵. همان، قسمت اول، جز سی ام/ ۱۳۰.
۱۶. همان/ ۱۳۲.
۱۷. همان.
۱۸. همان، ۱۱۲-۱۱۳.
۱۹. همان/ ۲۱۹.
۲۰. مفردات الفاظ القرآن، الاصفهانی، الراغب، تحقیقی صفوان عرفان داودی/ ۵۴۰، قم، انتشارات ذوی القربی، (۱۳۸۲ هـ. ش)، چاپ دوم.
۲۱. ر. ک: التبیان فی تفسیر القرآن، طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، ۹/۱، بیروت، دارالحیاء التراث العربی، بی تا، بی جا.
۲۲. الاتقان فی علوم القرآن، سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، تحقیق محمد ابو الفضل ابراهیم، ۲/ ۲۳۶، بی جا، منشورات رضی و بیداری و عزیزی؛ تفسیرالمیزان، طباطبائی، سید محمد حسین، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ۳/ ۷۴، قم، نشر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.
۲۳. پرتوی از قرآن، قسمت پنجم/ ۳۳.
۲۴. سوره کهف، آیه ۲۶.
۲۵. سوره فصلت، آیه ۴۵.

۲۶. سوره بقره، آیه ۸۸.
۲۷. سوره محمد، آیه ۲۷.
۲۸. پرتوی از قرآن، ۱/۱۶.
۲۹. همان/۱۱۱.
۳۰. فقه پژوهی قرآن، ایازی، سیدمحمدعلی/۲۰۱ و ۲۰۶، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰، چاپ اول.
۳۱. پرتوی از قرآن، ۱/۶.
۳۲. همان/۲۱.
۳۳. ر. ک: مبنای هدایتگری قرآن در همین مقاله.
۳۴. پرتوی از قرآن، ۲/۲۱۰.
۳۵. همان/۴۷.
۳۶. مفردات الفاظ القرآن/۵۵.
۳۷. الاتقان فی علوم القرآن، ۴/۹.
۳۸. اعجاز بیانی قرآن: بنت الشاطی، عایشه، مترجم حسین صابری/۲۲۶، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی (۱۳۷۶ ه. ش)، چاپ اول.
۳۹. روش علمی در ترجمه و تفسیر قرآن مجید و احادیث، مصطفوی، حسن/۶۳، قم، دارالقرآن الکریم، (۱۴۰۹ ه. ق).
۴۰. البیان و التبیین، جاحظ، تحقیق حسن السندوبی/۴۰، مصر، بی نا، (۱۹۵۶ م).
۴۱. پرتوی از قرآن، قسمت دوم، جزء سی ام/۱۰۹.
۴۲. همان، قسمت پنجم.
۴۳. لسان العرب، ابن منظور، تحقیق علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، (۴۰۸ ه. ق، ۱۹۸۸ م)، چاپ اول، واژه نسب.
۴۴. علوم القرآن عند المفسرین، مرکز الثقافه و المعارف القرآنیه، ۱/۴۶۵، قم، مطبعه مکتب الاعلام الاسلامی، (۱۴۱۶ ه. ق).
۴۵. الاتقان فی علوم القرآن، ۲/۳۴۲.
۴۶. اهداف و مقاصد سوره های قرآن، شحاته، عبدالله محمود/۲۷.
۴۷. التصوير الفنی فی القرآن، سیدقطب/۸۰، بی جا، دارالشروق، بی تا.
۴۸. پرتوی از قرآن، قسمت دوم، جزء سی ام/۱۳۴.
۴۹. همان، ۲/۱۷۲.
۵۰. همان. قسمت دوم، جزء سی ام/۳۱۷.
۵۱. همان.
۵۲. همان/۲۹۸.
۵۳. همان/۳۰۴. نمونه های دیگر: ر. ک همان/۱۶۱-۲۷۰.